

مغشوش با دیالوگ‌های شعاری

نگاهی به فیلم «پروین» به کارگردانی محمدرضا ورزی

فرزانه متین: در سینمای ایران، جای زندگی نام‌های مفاخر و مشاهیر معاصر پارسی زبان همیشه خالی است در این دوران ما تنها با دو اثر شایسته چون کمال‌الملک یا غلامرضا تختی روبه‌رو بوده‌ایم که تا سالیان سال نام‌شان با پرده نقره‌ای سینما گره خواهد خورد. سال گذشته، محمدرضا ورزی، کارگردان تلویزیون شروع به ساخت اثری در باب زندگی پروین اعتصامی کرد که ابتدا در چهل و دومین جشنواره فیلم فجر با نام معجزه پروین اکران شد و بعداً به اسم پروین تغییر یافت و این روزها در حال اکران است. فیلمی در مورد بزرگ‌ترین شاعر زن معاصر ایرانی که جایش در قاب سینما به شدت خالی بود، اما متأسفانه این اثر در حد و اندازه سینما نبود و بیشتر یک تله فیلم محسوب می‌شود. کارگردان با شناخت ناقصی که در درام‌پردازی دارد، سوژه و ایده جذاب و دست نخورده را فدای سیاست‌های نادرست کرد. پروین، اثری است که پس از پایان مدت اکرانش، به زودی به دست فراموشی سپرده خواهد شد. نگاهی که به پروین در این فیلم شد، یک نگاه کلی و سطحی از برشی از زندگی روزنامه‌وار پروین اعتصامی بود که دارای روایتی مغشوش و سردرگم به همراه یکسری دیالوگ‌های شعاری است. محمدرضا ورزی در مقام نویسنده و کارگردان با معمای شاه و سال‌های مشروطه نشان داد که کارگردان تلویزیون با ویتترین‌های رنگارنگ است و تا حدودی هم دستی بر تحریف تاریخ دارد. سینما و یک سوژه مهم برای او بزرگ و زیاد بود. از قضا هم محمدرضا شریفی‌نیا، یار دیرینه‌اش تهیه‌کنندگی فیلم را بر عهده دارد که هر دو نشان می‌دهند که نمایش تاریخ شاعرانه پروین اعتصامی چگونه به هدر می‌رود.

قرار بر این بود که ورزی از مهم‌ترین شاعر زن ایرانی فیلم بسازد از سال‌های کودکی تا مرگش نه اینکه فقط به 7 سال آخر زندگی او اشاره داشته باشد (۱۳۱۴-۱۳۲۰) وی از ۲۸ سالگی پروین فیلمش را آغاز کرد و به کلی‌گویی پرداخت؛ زمانی که پروین به عقد پسرعموی پدرش در می‌آید و با ترفیع شوهرش به شهربانی کرمانشاه، راهی کرمانشاه می‌شود که تقریباً از این اثر ۱۰۰ دقیقه‌ای، ۶۰ دقیقه آن در باب ازدواج و مشکلات زناشویی پروین با همسرش می‌گذرد.

یکی از اساسی‌ترین سوالاتی که پیش می‌آید، این است که ما پروین را فقط در دو، سه پلان کوتاه در حال شعر گفتن البته غیر از شعر محتسب

و مست در محفل ادبی شاعران دیده‌ایم. چرا اثر زیست شاعرانه ندارد؟ چرا در فضای شاعری، فیلمساز کم‌گویی را پیشه کرده است؟ پاسخ در اینجاست که ورزی می‌خواهد نشان بدهد سیاستمدار و فرد نظامی متوسل به دولت با زنش خوب تا نمی‌کند و دست بزن دارد و در برخی سکانس‌های دیگر در محفل ادبی شاعران، افرادی که به دربار وصل هستند پروین را به عنوان یک زن شاعره به سخره می‌گیرند و در نهایت کل فیلم به ما می‌خواهد بگوید پروین که خواهان برابری زن و مرد است، در زمان پهلوی دچار محدودیت بوده است. اگر پروین معترض بوده ما او را در شمایل یک کنشگر اجتماعی می‌شناسیم در حالی که فیلمساز از پروین یک شخصیت منفعل و فاقد کاریزماتیک ساخته که در فیلم، یک‌سوگیری زنانه و فمینیستی ایرانی هم دارد که در حد یک شعار کودکانه در آمده است.

کاراکتر پروین، ظریف، متواضع، صادق، نودوست و احساسی است، اما نباید برای آنکه به اثر شاخ و برگ داد، شخصیت تخیلی چون آگریم با بازی ملیکا شریفی‌نیا را وارد داستان کرد که در سکانس‌های طولانی حضور داشته باشد. آیا این وجه از داستان غیر از پارتی‌بازی یک تهیه‌کننده برای نقش دادن به دخترش است؟ حالا بگیریم این نقش اضافه شده حداقل برایش داستان ملموس بسازید. آگریم که یک کولی بی‌سواد است و چطور از کرمانشاه، ناگهان سر از خانه پروین در می‌آورد، چگونه خانه وی را پیدا کرده یعنی آنقدر پروین در آن دوران که به تازگی دیوانش به چاپ رسیده، معروف بوده که از هر کسی پرسیده، خانه پدری پروین را به او نشان داده‌اند؟

طبق اسناد و مدارک و حتی صفحه ویکی‌پدیا که جست‌وجو را برای همه راحت کرده، پروین از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۶ در کتابخانه دانشسرای عالی کار می‌کرده، اما در فیلم نشان داده می‌شود که او تا نوروز سال ۱۳۲۰ در آنجا مشغول به کار است یا اینکه پروین، سه برادر به نام‌های ابوالحسن، ابوالنصر و ابوالفتح داشته که در فیلم، تنها شخصیت ابوالفتح دیده می‌شود. حتی گفته می‌شود در زمان تحصیلش، در مدرسه امریکایی‌ها با یک دختر امریکایی به نام هلن تا واپسین روزهای زندگی‌اش مکاتبه داشته، به تصویر کشیدن این جنبه از واقعیت زندگی پروین آیا زیباتر از وجود آگریم نبود؟

یکی از پلان‌های خنده‌دار فیلم زمانی است که پروین از کرمانشاه برگشته و مادر در خانه را به روی وی باز می‌کند. دوربین ابتدا روی صورت ابوالفتح است و پشت سر او پروین قرار دارد. ابوالفتح کنار می‌رود، قاب روی پشت سر پروین است، نیم چرخ می‌زند و چهره‌اش رو به دوربین قرار می‌گیرد.

صحنه‌های فیلمبرداری شده اثر یا در خانه پدری پروین است یا در

خانه شوهرش در کرمانشاه یا در کتابخانه دانشسرای عالی و ما اثری از گذر و خیابان‌های آن دوران نمی‌بینیم که چه حال و احوالی داشته است. فیلم در ژانر تاریخ و بیوگرافی است باید بخشی از تاریخ از طریق تصاویر به ما نشان داده شود. اتومبیل قدیمی، لباس و گریم آن دوران که نمی‌شود تاریخ روزگاری که پروین در آن می‌زیست، از این رو فیلم پروین نه با زبان تصویر با ما سخن می‌گوید و نه با جزییات. مگر پروین اهل تبریز نیست و در 6 سالگی به تهران نیامده؟ پس زیست پدر و مادرش در تبریز بوده حداقل در گفت‌وگوهایشان باید يك ته لهجه ترکی را مشاهده کنیم و ده‌ها ایرادی که می‌توان به این فیلم گرفت. البته باید اذعان داشت طراحی صحنه و لباس هم وصف آن دوران است.

بازی محمدرضا شریفینیا، آریتا حاجیان و مارال بنی‌آدم درخور احترام است و اگر بنی‌آدم برای فیلم پروین، سیمرغ را سال گذشته با خود به خانه برد باید گفت او از دل تئاتر بیرون آمده و برایش بازی در نقش بی‌فراز و نشیب زندگی پروین کار چندان سختی نبوده است.